

بسمه تعالی

Seminar on Holy Defense

25 september 1996

The institute for defence and
Strategic studies

Imam Husayn (P.H) University

ششمین همایش دفاع مقدس

چهارشنبه ۴ مهر ۷۵

پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک

دانشگاه امام حسین (ع)

ارائه دهنده: الگوهای مدیریتی و مدیریت در دفاع مقدس

عنوان مقاله: سردار سرتیپ پاسدار دکتر سید علی تاش رئیس سابق ستاد نیروی زمینی

سپاه، رئیس سابق دانشگاه امام حسین (ع)، مشاور فرماندهی کل سپاه، سردبیر فصلنامه

سیاست دفاعی

خلاصه مقاله:

در این مقاله، نویسنده با اشاره به اینکه نهضت دفاع مقدس، تجربه‌ای موفق در مدیریت، یک حرکت ملی را برای مطالعه علمی پیش روی محققین قرار داده است، سه سؤال را بعنوان سؤالات اصلی که مقاله با هدف جواب به آنها تدوین شده ارائه می‌نماید، این سه سؤال عبارتند از:

۱- مدیریت و فرماندهی در سازمان سپاه (که شامل بسیج و نیروهای مردمی نیز می‌گردد) در جنگ عمدتاً مبتنی بر چه الگویی بود و چه تحولاتی در طول دوره دفاع مقدس پیدا کرد؟

۲- این الگوی کلاسیک نظامی چه میزان تطابق یا تغایر داشت؟

۳- با توجه به پیشرفتهای نظری در مدیریت و تجارب سپاه در جبهه، چه اصول و خطوط راهنمایی را پیرامون الگوی مناسب برای شرایطی و محیطی که مادر آن با قرار داریم می‌توان نتیجه گرفت؟

برای جواب به این سه سؤال، ابتدا مبانی نظری و علمی جوابها، مورد تجزیه و

نوشتار حاضر به ارزیابی و بررسی ابتکارات و نوآوریهای نظامی سپاه و الگوهای نوین تفکر جدیدی که این سازمان در صحنه جنگ پدید آورد، می‌پردازد تا از این رهگذر یکی دیگر از نقشهای مهم و برجسته سپاه در تعیین سرنوشت نظامی و سیاسی جنگ روشن شود. بر این اساس محورها و موضوعات اساسی مورد بحث در این مقاله عبارتند از:

۱- مقایسه ویژگیهای مربوط به الگوهای تفکر نظامی سنتی و مدل‌های تحلیل نظامی دینامیک و جدید.

۲- بررسی و مقایسه نقش دانش و بینش نظامی در ارتباط با الزامات فکری و نیازهای رهبری و مدیریتی صحنه‌های جنگ نوین.

۳- مشخصات اساسی جنگهای نوین.

۴- وارد نمودن دکترین و استراتژی نظامی مشخص و جدید در جنگ - اولین نوآوری سپاه.

۵- ویژگیهای اساسی دکترین نظامی سپاه در جنگ و مقایسه آن با دکترین قبلی.

۶- نبردهای نامتقارن، محتوای اصلی دکترین سپاه.

۷- درک ناپیوستگی‌های موجود میان پدیده‌های سطح تاکتیکی و عملیاتی جنگ توسط سپاه پاسداران.

۸- عدم تکرار تاکتیکها، تغییر سریع شرایط و انتخاب مناطق عملیاتی براساس الزامات استراتژیک.

۹- ارائه مفهوم جدیدی از غافلگیری.

۱۰- سبک جدید مدیریت و فرماندهی جنگ (سبک انقلابی).

۱۱- تعمیم قدرت رزمی از محدوده نیروهای مسلح ملی (هدایت بسیج مردمی و ملی و بکارگیری منابع ملی).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل قرار می‌گیرد و این کار، در دو بخش انجام می‌شود. بخش اول، بررسی نقشهای مدیریتی رایج و طبقه‌بندی آنهاست. این نقشها در قالب هفت طبقه‌بندی زوجی، به نقشهای هدایتی - تربیتی، و دارسازی - زمینه‌سازی، تعادل آفرینی - تحول آفرینی، مراقبت - مهاجمه، پیشوایی - رهبری، جاناندازی - دلالی، و مرشدی - مرادی تقسیم‌بندی می‌کند.

نویسنده در بخش دوم مبانی نظری، الگوهای مدیریتی را که حاصل ترکیب نقشهای مکمل هستند معرفی می‌کند. این الگوها عبارتند از: الگوی مدیریت عملیات، الگوی مدیریت اداره الگوی مدیریت تنازع، الگوی مدیریت توسعه سازمانی، الگوی مدیریت تحول سازمانی، الگوی مدیریت جو سازمانی، و الگوی مدیریت کمال یا تعالی.

پس از تدوین چارچوب نظری، نویسنده سعی دارد با لهام از این چارچوب، واقعیت‌های مدیریتی بدیع در دفاع مقدس را تجزیه و تحلیل نماید. این بحث در بخش اصلی انجام می‌شود. بخش اول، بررسی کلی ویژگیهای مدیریت در جبهه است و تحت این عنوان، به چند نکته اساسی پرداخته می‌شود، مانند اینکه فرآیندهای مدیریتی رایج در جبهه، انعکاسی از فرآیندهای رایج در کل جامعه اسلامی ایران بود؛ در سازمان سپاه هر یگان به فرمانده‌اش شناخته می‌شد؛ در سازمان سپاه، هیچ فردی از قبل بعنوان مدیر یا فرمانده تربیت نشده بود هیچ تمایزی بین افراد، بجز نوع مسئولیت وجود نداشت؛ فرماندهان در صحنه عمل شناسایی و گزینش می‌شدند؛ و در بخش دوم، نویسنده، منشاء قدرت فرماندهان جنگ را بررسی می‌کند و در این عنوان، به نقش مفاهیم ارزشی همچون اصل جهاد، اعتبار معنوی فرماندهان و قدرت ارتباطی اشاره می‌کند. در بخش سوم، به مسأله آزادی و وحدت در مدیریت جبهه پرداخته می‌شود و بر این نکته تأکید می‌شود که در این قالب تمرکزی سازمانهای سپاه رد جنگ، امکان آزادی عمل و پرورش استعدادها و ابتکارهای فردی تک‌تک و فرماندهان نیز فراهم بود.

در بخش بعدی، گسترش دامنه و تحول شرایط و محیط مدیریتی در جبهه بحث می‌شود. در این عنوان، ابتدا به قطع‌بندی دوره‌های جنگ با توجه به ابعاد مدیریتی می‌پردازد و بر این اساس، دوران جنگ را به چهار مقطع تقسیم می‌کند. آنگاه، وضعیت‌های مختلف تفکیک می‌شود و براین اساس، مقطع‌بندی چهارگانه دیگری از جنگ ارائه

می‌گردد. مقطع‌بندی چهارگانه دیگری نیز از نظر تفکیک سطح یگانی از جنگ انجام می‌شود که به نوبه خود با بحث تفکیک سطح مدیریتی در جنگ تحمیلی تکمیل می‌شود. در بخش بعدی، نویسنده خصوصیات نقشه‌ها و الگوهای مدیریتی در جبهه دفاع مقدس را تجزیه می‌کند و طی آن، نقشهای هدایتی، وادارسازی، مراقبتی، تعادل‌آفرینی، جاناندازی، تهاجمی، اصلاح‌گری، تربیتی، زمینه‌سازی، پیشوایی، و مرشدی را در فرآیندهای مدیریتی جبهه جستجو می‌نماید. بحث دیگری که در همین بخش انجام می‌شود، پرسش از یافتن الگویی مناسب برای نیروهای مسلح با توجه به شرایط جبهه و جنگ است و طی آن، ویژگیها و الگوهای فرضی برای جنگ را ارزیابی می‌نماید و این کار در قالب سه فرضیه انجام می‌شود.

سرانجام با این نتیجه‌گیری که موفقیت مدیریت در جبهه محصول عناصری همچون ایجاد تصور غیرقابل شکست بودن، حضور نسلی از جوانان معتقد، رهبری پیامبرگونه حضرت امام (ره)، انگیزه‌های خدایی بودن کار و مفهوم تکلیف، اراده قوی و سرکش در دستیابی به اهداف، تمرکز و وحدت‌انگیزه‌ها، اولویت دادن به اصول و ارزشهای بنیادی، تحول مستمر درونی در سازمان رزمی، شناخت عمیق فرماندهان، استفاده بهینه از فرصتها، شجاعت و ریسک‌پذیری، خرد ورزی جوهری، مؤانست بین فرماندهان و زندگانی افراد با یکدیگر است، مقاله به پایان می‌رسد.

